



## ضرورت‌سنجی پیش‌بینی اصل بی‌طرفی دادستان در نظام دادرسی ایران؛ با تأکید بر نظام دادرسی ترکیه

زهرا انظاری‌دورباش<sup>۱</sup>، فاطمه احدی<sup>۲\*</sup>

۱. کارشناسی ارشد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه، مراغه، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه، مراغه، ایران.

### چکیده

دادستان در نظام دادرسی ایران و ترکیه متصدی دعوی عمومی به‌منظور حمایت از حقوق جامعه و بزه‌دیده است. این نقش به‌گونه‌ای برجسته شده است که موضوع رعایت حقوق دفاعی متهم، ازجمله در اعلان دلایل به نفع او و جلوگیری از طرح دلایل فاسد علیه وی توسط دادستان، ناچیز تلقی شده است. در حقوق ترکیه اصول بوداپست مورد قبول واقع شده است و این موضوع در سال ۲۰۰۵ پس از جلسه ششم کنفرانس، توسط دادستان‌های اروپا که از طرف شورای اروپا و با همکاری دادستان مجارستان ترتیب داده شده به تصویب رسیده است. دادستان وظایف خود را به‌صورت عادلانه، بی‌طرفانه، منسجم و با سرعت انجام می‌دهد، و همچنین سعی دارند تا تعادلی عادلانه بین منافع و حقوق شخصی با منافع عموم برقرار کنند. در حقوق ایران باید در ارائه دلایل به نفع متهم و جلوگیری از دلایل فاسد علیه او خودداری نکنند. این وظیفه دادستان اگرچه در قوانین ایران به‌طور صریح ذکر نشده است، از یک طرف از وظیفه بی‌طرفی دادستان نسبت به دلایل راجع به متهم و از طرف دیگر از وظیفه حفاظت از قوانین توسط دادستان ناشی می‌شود. همچنان که در ماده ۴۹ قانون اصول تشکیلات دادگستری مصوب ۱۳۰۷ در مورد دادستان (مدعی‌العموم) بیان می‌دارد: «مدعیان عمومی، صاحب‌منصبانی هستند که برای حقوق عامه و نظارت در اجرای قوانین موافق مقررات قانونی انجام وظیفه می‌کنند.» روش تحقیق به‌صورت کتابخانه‌ای است.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱-۱۵

اطلاعات نویسنده مسؤول

ایمیل:

Fatemeh.ahadi1394@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۱۷

تاریخ انتشار: ۹۹/۱۰/۱

واژگان کلیدی:

دادستان، متهم، دلایل به‌نفع متهم،

دلایل علیه متهم، اصول بوداپست.

openaccess



## مقدمه

در ایران و ترکیه مقامی به نام دادستان وجود دارد که هدف آن حفظ نظم عمومی و تعقیب متهم است. اگرچه وظایف و اختیارات دادستان در ایران و ترکیه کاملاً قابل انطباق نیست، ماهیت عمل دادستان در هر دو کشور، که همان تعقیب متهم به جرم است، یکسان است.

دادستان به عنوان مدعی العموم و نماینده جامعه، وظیفه اعمال دعوای عمومی را برعهده دارد. هدف دعوای عمومی جبران لطمه وارد شده به نظم اجتماعی یا اجرای یک مجازات و یا یک اقدام تأمینی درباره مرتکب جرم است. دعوای عمومی یک دعوای مربوط به نفع عمومی بوده و از امور آمره است و دادسرا که فقط مأمور اجرای آن است هرگز حق انصراف ندارد.

آنچه که سؤال برانگیز است این است که آیا دادستان همچون شاکی خصوصی فقط در پی محکوم کردن متهم است؟ به جرأت می توان گفت معمولاً عقیده عمومی بر این است که دادستان فقط در پی محکوم کردن است، ولی آنچه که قضیه را پیچیده می سازد این است که دادستان به منزله شاکی خصوصی نیست، چراکه در ایران مطابق «بند ۳ ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات»، کلیه مقام های قضائی ملزم به رعایت بی طرفی هستند، یعنی آنچه که از شاکی خصوصی انتظار نمی رود.

دادستان اگرچه متهم به جرم را تعقیب می کند، باید به این هدف نیز مقید باشد، زیرا جزئی از سیستم قضائی است. در اینجا پارادوکسی که احساس می شود این است که چگونه دادستان می تواند هم در پی اجرای عدالت با رعایت بی طرفی و هم به دنبال محکوم کردن متهم باشد؟ شاید بتوان گفت بی طرفی دادستان با بی طرفی یک قاضی دادگاه متفاوت است. دادستان به عنوان مقامی که تعقیب را برعهده دارد نمی تواند به طور کلی بی طرف باشد. زیرا در این صورت خاصیت تعقیب کنندگی اش خنثی می شود، در حالی که قاضی دادگاه باید مطلقاً بی طرف باشد و پس از تحصیل و تحلیل دلایل با بی طرفی رأی صادر کند. به نظر می رسد منظور از بی طرفی دادستان در مقام تعقیب متهم، نگاه بی طرفانه او نسبت به

دلایل راجع به متهم باشد و این نکته ای است که در متون حقوقی کمتر به آن توجه شده است. بنابراین در این تحقیق بی طرفی دادستان در مورد دلایل له و علیه متهم و اصول بوداپست بررسی شده است. در ترکیه دادستان یکی از طرفین در محاکمه است به این دلیل که فراهم کردن بی طرفی وی نمی تواند مطرح شود. لیکن دادستان در هر زمان و هر شرایطی ضمن اینکه وظیفه اقامه دعوا را دارد، وظایف خود را به صورت عادلانه، بی طرفانه، منسجم و با سرعت انجام دهد. براساس ماده ۶۸ قانون قضاوت و دادستان ها به شماره ۲۸۰۲ که کیفر انضباطی به قاضی و دادستان می دهد، براساس تثبیت اعمال و افعالی که مناسب وظایف و صفات آن ها نیست، کیفر جانشینی داده شده به خاطر درجه چگونگی و سنگینی وضعیت، در شرایط ایجاد عدم انجام وظیفه بی طرفی و صحیح با نشان دادن رفتار و کردار خود ممکن است. لیکن براساس قانون مؤسسه عالی قضات و دادستان ها به شماره ۶۰۸۷ قضات و دادستان هایی که با هم اختلاف دارند هرگونه حکمی که در سایه اصول بی طرفی و استقلال، آن ها را از هم جدا کند وجود ندارد. همچنین در این نوشتار تلاش می شود اختیاراتی که برای دادستان در قانون آئین دادرسی کیفری هر دو کشور در نظر گرفته شده از منظر دادرسی عادلانه به ویژه اصل موازنه قوا یا اصل تساوی سلاح ها و حقوق دفاعی مورد بحث قرار گیرد.

## ۱- مفهوم دادستان

در ایران، دادستان از نظر لغوی به معنای «آنکه اجرای عدالت کند، داور، قاضی، پادشاه، امیر، نماینده دولت در دادگاه که علیه متهمان ادعای صادر کند و مدعی العموم» است. (معین، ۱۳۸۱: ۶۵۲) دادستان یا مدعی العموم صاحب منصبی است که برای حفظ حقوق عامه و نظارت بر حسن اجرای قوانین و تعقیب کیفری بزه کاران، موافق مقررات انجام وظیفه می کند.

در ترکیه دادستان (ساوجی<sup>۱</sup>) به عنوان یک مأمور رسمی دولتی به محض دریافت گزارش جرم و جنایت به نام دولت بلافاصله به تحقیق و پرس و جو پرداخته و تشکیل پرونده عمومی را با شرایط

<sup>۱</sup> Savci

و استانداردهای آن پرونده اقدام کرده و ادامه می‌دهد. حکم‌هایی را که دادگاه اجازه آن را به ایشان می‌دهد و اجازه‌ای را که قانون در خصوص سایر وظایف ایشان می‌دهد را یک مأمور دولت تعریف می‌کند. (اوزتورک و دیگران، ۲۰۰۴: ۲۵۹)

## ۲- دادرسی عادلانه<sup>۱</sup> و فرض بی‌گناهی

در ایران نه تنها تشکیل یک دادگاه باید مطابق با قانون و استانداردهای جهانی باشد، بلکه آئین دادرسی آن نیز باید با اصول و استانداردهای روشن و شناخته شده جهانی همراه باشد. رسیدگی به اختلاف‌ها و اتهام‌های کیفری نیازمند یک دادرسی عادلانه است که مستلزم آئین دادرسی از پیش تعیین شده و یک سلسله شروط اساسی است. (کاشانی، ۱۳۸۳: ۲۰۱) دادرسی عادلانه فرایندی است که بر مبنای اصل برائت و حفظ کرامت انسانی پایه‌گذاری شده و رعایت الزام‌های آن، رفتاری کرامت‌مدار و احکامی مبتنی بر عدالت و انصاف را نوید می‌دهد. دادرسی کیفری در صورتی عادلانه است که توسط دادگاهی منصف و بی‌طرف، بر اساس تشریف‌های قانونی انجام گرفته و در جریان آن، حقوق اساسی و قانونی متهم، محترم شمرده شود. (آماده، ۱۳۸۸: ۱۷) در این فرایند اقدام‌های غیرقانونی، توسل به زور و خشونت و شکنجه روحی و جسمی، استفاده از اقدام‌های غیرقانونی، خروج دادگاه از بی‌طرفی، عدم استقلال، غیرعلنی بودن دادرسی، عدم تساوی سلاح‌ها و سلب حقوق دفاعی متهم و منع مداخله وکیل توجیه‌ناپذیر است. اصل برائت مهم‌ترین مبنای دادرسی عادلانه است. تکلیف دادستان به ارائه دلایل توجیه اتهام، مهم‌ترین نتیجه اصل برائت است که لزوم رعایت حقوق دفاعی متهم را نیز توجیه می‌کند. در فرایند دادرسی کیفری اعتقاد دادستان به مجرمیت متهم، ادعای خلاف اصلی است که مدعی را مکلف به اثبات آن می‌کند؛ در این میان رعایت حقوق دفاعی متهم و برخوردار کردن او از تسهیلات و فرصت کافی برای تدارک دفاع، تحقق دادرسی عادلانه را تضمین خواهد کرد. (آماده، ۱۳۸۸: ۲۲). برخورداری

متهم از حق سکوت، حق محاکمه سریع و علنی در دادگاه مستقل و بی‌طرف، حق استخدام وکیل، مترجم رایگان، منع شکنجه، حق تجدیدنظرخواهی و حق پرسش از شهود، از نتایج مهم اصل برائت است. اصل ۳۷ قانون اساسی کشور ما نیز فرض بی‌گناهی و اصل برائت را به رسمیت شناخته است. ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد (۱۹۴۸)، بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، بند ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره (۱۹۹۰)، بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (۱۹۵۰)، بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹)، شق ب بند ۱ ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (۱۹۸۱) و بند ۱ ماده ۶۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۸۸) بر اصل برائت صحت گذاشته‌اند. ماده ۲-۱۱۱ لایحه آئین دادرسی کیفری بر عادلانه بودن دادرسی تصریح کرده است.

برگزاری دادرسی عادلانه یکی از اصول ارزشمند حقوقی در کشورهای پیشرفته و تضمین واقعی حقوق فردی و اجتماعی در جهان کنونی است. تعریفی که در حقوق آمریکا از اصل دادرسی عادلانه ارائه شده است: «دادرسی عادلانه، یک دادرسی عادی و معمولی است که در یک فضای آرام و در برابر یک قاضی بی‌طرف و نیز هیئت منصفه بی‌طرف که تنها هدف و نفع آنان اجرای درست و صحیح قانون است، برگزار می‌شود. اساس و پایه یک دادرسی عادلانه این است که هیچ نفوذ و عامل خارجی روی هیئت منصفه اثر نگذارد و هیچ دلیلی مورد بررسی و ارزیابی قرار نگیرد، مگر دلایلی که ارائه شده و در جریان دادرسی پذیرفته شده است». (کاشانی، ۱۳۸۳: ۲۱۰ و ۲۱۱).

در ترکیه از نظر ضرورت فرض بی‌گناهی کسی که متهم به انجام یک جرم است، تا زمانی که به‌طور قانونی جرم بر وی ثابت نشده است مجرم محسوب نمی‌شود. (صلحی، ۱۹۸۸: ۶۷) به عبارت دیگر تا زمانی که محکومیت بر وی جاری نگشته است (حکم محکومیت بر وی صادر نگشته است) و تا زمان صدور حکم بر متهم، هرگونه تصویری که وی مجرم ملاحظه شود

<sup>۱</sup>- Fair Trial

توقف استفاده از آزادی و حق اساسی مورد قبول قرار گرفته است. در دومین پاراگراف همان اصل در شرایطی که در پاراگراف اول بیان شد حتی توقف بی‌جای استفاده از بعضی از حقوق اساسی به حکم مربوط شده است. (گورن، ۱۹۹۵: ۳۰) در این خصوص حتی در شرایط وخیم مانند جنگ، بسیج شدن، حکومت نظامی و با حالت غیرعادی استفاده از فرض بی‌گناهی به هیچ‌وجه متوقف نخواهد شد.

### ۳- امکان رعایت بی‌طرفی توسط دادستان

در ایران اصل بی‌طرفی تضمینی برای سلامت دادرسی است و حق برخورداری مردم از یک محاکمه عادلانه و بی‌طرف را به منصفه ظهور می‌رساند. بازپرس در مدل دارای بازپرس، دارای دو شأن قضائی و تحقیقی می‌باشد؛ بین مراحل تحقیق و تعقیب تفکیک صورت پذیرفته است. از طرفی دیگر، دادستان نیز هم‌زمان وظایف تحقیق و تعقیب را برعهده دارد که این هم‌زمانی مانع از تمرکز و همچنین ردوبدل شدن مداوم پرونده بین دادستان و بازپرس است؛ درحالی‌که در مدل بدون بازپرس که دادستان هم‌زمان وظایف تحقیق و تعقیب را برعهده دارد، انسجام و یکپارچگی بیش‌تری وجود دارد و در نتیجه فرایند رسیدگی به پرونده کیفری سریع‌تر می‌باشد. مسئله‌ای که ممکن است به ذهن برسد، که آیا می‌توان رعایت بی‌طرفی را که از خصایص قضائی محسوب می‌شود و در مدل‌های دارای بازپرس در مرحله تحقیقات مقدماتی به بازپرس واگذار شده است، از دادستان نیز توقع داشت؟ پاسخ به این پرسش از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ زیرا همان‌طور که گفته شد اگر مبنای شکل‌گیری بازپرس در مرحله تحقیقات مقدماتی لازم نخواهد بود و مشکل ابتدائی گفته شده درخصوص عدم تمرکز و انسجام، مرتفع خواهد شد. بدون شک، پاسخ به پرسش مذکور در مدل‌های بدون بازپرس، مانند آمریکا، انگلستان و دیوان کیفری بین‌المللی، آن خواهد بود که عدم حضور بازپرس در این مدل‌ها، به معنای عدم رعایت بی‌طرفی در جمع‌آوری دلایل نیست. (یوسفی، ۱۳۹۲: ۳۶) از سوی دیگر، اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای متعددی وجود دارند که بر تأیید و اثبات

مورد قبول نبوده و در طول محاکمه به چشم محکوم به وی نگاه نخواهد شد. (کریستیان، ۱۹۹۶: ۴۶)

با قبول واقع‌ای که با واقعیت سازگار است و به وجود یا عدم وجود نتایج مربوط که امکان دسترسی به آن را فراهم می‌کند و به فرضیه‌هایی که از لحاظ حقوق صحت آن‌ها مورد قبول می‌باشد «سرنخ» گفته می‌شود. لیکن در فرض بی‌گناهی، از واقع‌ای که با حقیقت سازگار بوده و یا اثبات آن مورد قبول بوده است، نتیجه‌گیری وجود یک واقعه دیگر ممکن نخواهد بود، پس سرنخ تنها در طی محاکمه، فرضیه‌ای که شخص را مجرم محسوب نخواهد کرد را ضروری می‌کند. (فیضیجلو و اوزولمز، ۲۰۰۵: ۱۳۸) شخص متهم به سبب استفاده از فرض بی‌گناهی و به علت عدم قبول وی از ابتدا به عنوان گناهکار (مجرم) جهت طرح بی‌گناهی وی، هیچ‌گونه حرکت فعالی از وی انتظار نمی‌رود. در این خصوص، ابتدا شخص مدعی دادستان موظف به اثبات دعوی خویش است. بنابر ضرورت فرض بی‌گناهی، در اصل به متهمی که گناهکار شمرده نمی‌شود گفتن اینکه «بی‌گناهی‌ات را اثبات کن» از لحاظ منطق نیز مردود است. در انواع مختلفی از اجتهادهای آی‌هم<sup>۱</sup> نیز تأکید واضح بر وجود بار اثبات روی دادستان ملاحظه می‌شود. (صلحی، ۱۹۹۸: ۵۷) موطن اصلی فرض بی‌گناهی، قاره اروپا نیست، انگلستان است. به عبارت دیگر منبع آن حقوق آنگلو ساکسون می‌باشد. به‌ویژه صحبت کردن در مورد این حقوق در سیستم مخالف با دین مسیحیت در قرون وسطا در چند سال قبل ممکن نبود. لیکن به موازات توسعه در حقوق بشر این حقوق ابتدا از انگلستان به فرانسه آمد و با انقلاب فرانسه به تمامی اروپا شیوع پیدا کرد. (اوزولمز، ۲۰۰۵: ۴۲) در اصل ۳۸ قانون اساسی ترکیه نیز فرض بی‌گناهی به عنوان یک حق اصلی به‌وضوح از آن دفاع شده است. به این منظور کسی که هنوز مجرم بودن آن ثابت نشده است مجرم محسوب نمی‌شود. همچنین پاراگراف اول اصل پانزده که مربوط به توقف استفاده از حق اساسی و آزادی است در بعضی از شرایط ضروری به شرط عدم اختلال در مسؤولیت‌های ناشی از حقوق بین‌المللی،

<sup>۱</sup>- Aihm

دارد، در موقعیت بی‌طرفی جای نمی‌گیرد. بنابراین اصل «محاكمه متناقض» دادستان صفت «طرف» خود را در تحقیق و تعقیب تقویت می‌کند. نتیجه طبیعی تناقض‌دار ادعا یعنی تز (نظریه) و دفاع یعنی درگیری، آنتی‌تز (نقطه مقابل) و بدین صورت رسیدن به نتیجه است. نقشه راه فرایند تعقیب که از طرف دادستان با پذیرش ادعای آماده شد، از طرف دادگاه شروع می‌شود. البته این ادعای آماده که در پرنده دادگاه یافت می‌شود تزی (نظریه‌ای) است که دلایل جاگرفته از محتوای آن مورد حمایت است. دفاعی که طرف دیگر محاکمه است، ادعای خود را در مقابل مدعی‌ای که مکلف به اثبات دلایل بدست آمده با راه‌ها و روش‌های حقوقی مدافعه می‌کند. (ماده ۲۱۶، ۲۰۷، ۲۰۶، ۲۰۱، ۱۱۷۷ و بند دوم ماده ۱۶۰ قانون آئین دادرسی کیفری<sup>۳</sup>) بدین علت مقام مدعی هرچند هم مکلف به اثبات ادعای خود باشد مسئله با عدم واگذاری به انصاف مرجع قضائی، متناسب با اصل «محاكمه متناقض» جهت دادن حق دفاع به متهم و وکیل مدافعی تنظیم گشته است.

#### ۴- تساوی سلاح‌ها<sup>۴</sup> یا اصل موازنه قوا

در ترکیه در صورتی که موضوع مرتبط با محاکمه باشد دادستان علاوه بر فعالیت شغلی یعنی همان صفت «طرف» که به اعتبار وظیفه‌اش آن را کسب کرده است این صفت را به اعتبار شخص خود به همراه داشته باشد چه چیزهایی تغییر خواهد کرد؟ موضوع مورد بحث ما دادستانی که به اعتبار شخص خود صفت «طرف» را به خود گیرد و دادستانی که با صفت ادعاکننده به نمایندگی و مشارکت در محاکمه، قدرت حکومت دارد، هم در مرحله بازپرسی و هم تعقیب، محاکمه صحیح و تحت تضمین را چقدر محافظت خواهد کرد و تضمینی که به نفع متهم، شخص مشکوک در نظر گرفته شده به چه اندازه این حق را فراهم خواهد کرد. اصل برابری سلاح‌ها؛ شخص شاکی که متضرر شدنش را از موضوع جرم ابراز می‌دارد، در مرحله تحقیق دلایل به له و علیه را جمع‌آوری کرده و در مرحله

گفته مذکور غیرممکن بود، هیچ‌گاه در این اسناد، به تکلیف دادستان در جمع‌آوری بی‌طرفانه دلایل، به صورت نص اشاره نمی‌شد. در مقدمه رهنمودها نقش دادستان‌ها، مصوب ۷ اوت تا ۷ سپتامبر ۱۹۹۰ (هشتمین کنگره سازمان ملل متحد برای پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان) آمده است: «رهنمودهای ارائه شده زیر به منظور کمک به دولت‌های عضو، در وظیفه آن، مبنی بر تضمین و ارتقای کارایی، بی‌طرفی و انصاف دادستان‌ها در دادرسی کیفری تنظیم شده است.<sup>۱</sup> اصل ۱۳ این اصول و رهنمودها نیز مقرر می‌دارد: «دادستان‌ها باید وظایف خود را بی‌طرفانه انجام دهند و از هرگونه تبعیض سیاسی و اجتماعی، مذهبی، نژادی، فرهنگی، جنسی و انواع دیگر خودداری کنند».

همچنین در قطعنامه شماره ۲۰۰۰/۱۹ کمیته وزرای شورای اروپا، مورخ ۱۶ اکتبر ۲۰۰۰<sup>۲</sup>، به عنوان یک سند منطقه‌ای، بی‌طرفی دادستان و لزوم توجه او به تمام دلایل به نفع یا ضرر متهم یا مجنی‌علیه مورد توجه قرار گرفته است. (یوسفی و رئیس، ۱۳۹۲: ۲۲۸)

در ترکیه دادستان صفت محاکمه‌کننده را با خود ندارد و به اعتبار صفت خود، دادستانی که از شغل قضاوت دور می‌شود هم با آماده‌سازی ادعای مدعی می‌شود و هم به علت بی‌جا بودن تعقیب شخص است که صدور ادعایش را برطرف می‌کند. دادستان در مثلث تز (نظریه) - آنتی‌تز (نقطه مقابل) - سنتز (رشد اندیشه) با ویژگی مدعی بودنش، محاکمه را تداوم می‌بخشد. عدم توانایی دادستان محاکمه در مذاکرات هیئت دادگاهی در مرحله صدور حکم و یا عدم توانایی وی در انجام بیانات در این مذاکرات، نشانه این است که دادستان از طرف عام به عنوان یک طرف می‌تواند در محاکمه مداخله کند. باز پیش از صدور حکم براساس کیفردهی، عدم کیفردهی متهم و یا آزادسازی و عدم آزادسازی شخص دستگیر شده، مطالعه گرفتن از دادستان، مثل آنچه که در مقام دفاع می‌باشد، نشان از این دارد که دادستانی که در مثلث محاکمه با صفت مدعی قرار

<sup>3</sup> - CMUK 160/2, 177, 201, 206, 207 Ve 216.

<sup>4</sup> - Equality of Arms.

<sup>1</sup> - Guidelines on the Role of Prosecutor.

<sup>2</sup> - The Role of Public Prosecution in the Criminal Justice System.



تعقیب با تکیه بر این دلایل با صفت مدعی در محکمه شرکت می‌کند. در حقوق محاکمه کیفری ترکیه، شرایط ممنوعیتی که اوصاف بی‌طرفی فاعل و مفعول را در بر می‌گیرد. یعنی اجبار در عدم محاکمه (شرایطی که توجهی به طرفین دعوا در آن وجود نخواهد داشت) دلیل رد و اجتناب، در مواد قانونی ۲۲ الی ۳۲ قانون آئین دادرسی کیفری تنها برای قضاوت پیش‌بینی شده است. شرایط رد و یا اجتناب دادستان و عدم مشارکت دادستان در مرحله تحقیق و یا تعقیب و در قانون محاکمه کیفری تنظیم نشده است. دادستان‌هایی که وظیفه ادعا را برعهده دارند حکمی دال بر ممنوعیت از انجام این وظیفه، رد و یا اجتناب از آنکه به اعتبار شخص از محاکمه کیفری جدا در نظر گرفته شود وجود ندارد. (کاتر، ۱۹۸۹: ۴۳۳)

در ایران این اصل ایجاب می‌کند که متهم نیز همانند دادستان، در مقام دفاع از خویش، امکانات ضروری را در اختیار داشته باشد. مفهوم برابری سلاح‌ها، بنا به نظر دیوان اروپایی، توازن ضروری را بین اتهام و دفاع، از مرحله مقدماتی تا مرحله محاکمه ایجاب می‌کند. کمیسیون اروپایی حقوق بشر از سال ۱۹۵۹ اصطلاح تساوی سلاح‌ها را به کار برده است که ناظر به رعایت تساوی لازم بین اصحاب دعوا است.

ذکر این نکته لازم است که ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) که در سال ۱۳۵۴ به تصویب قوه مقننه ایران رسیده است، همانند ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) مقرر داشته است که هر کس حق دارد به دعوی او در یک دادگاه مستقل و بی‌طرف، ایجاد شده به موجب قانون به‌طور منصفانه رسیدگی شود. حق برابری سلاح‌ها به این معناست که تمامی طرف‌های دعوا به آرشو و اسنادی که دادگاه به آن‌ها استناد می‌کند دسترسی داشته باشند. لازمه این امر این است که طرف‌های دعوا از این فرصت برخوردار باشند و بتوانند مطالب موردنظر خود را از شهود بپرسند. کمیسیون اروپایی حقوق بشر اعلام کرده است که دادسرا هر نوع سندی را که بتواند به تیرته یا تخفیف مجازات مظنون کمک کند، موظف است افشا کند. برای کارشناسان به نفع متهم، برابر با

کارشناسان به نفع دادسرا امکانات و تسهیلات فراهم شود. (کلی‌تون، ۲۰۰۰: ۶۴۹-۶۴۸) بر پایه این اصل، متهم در همه مرحله‌های دادرسی، دارای فرصت برابری برای رد اتهام‌های مطرح شده از سوی دادستان علیه خود است و به متهم باید فرصت داده شود تا در مورد این ادعاها اظهارنظر کند (به‌ویژه اگر در وضعیت او تأثیر منفی داشته باشد). (ناجی، ۱۳۸۵: ۴۱) دیوان اروپایی حقوق بشر در دعوی ایالت علیه اتریش (بولوت و اوستریا)<sup>۱</sup> به‌موجب رأی مورخ ۲۲ فوریه ۱۹۹۶ در تعریف این اصل اعلام داشته که بر پایه اصل مزبور به هر طرف باید فرصت طرح دعوی خود داده شود؛ به‌گونه‌ای که وی را در برابر طرف خود در وضعیت نامساعد قرار ندهد.

#### ۵- اختیار تعقیب و وظیفه تعقیب

در ایران حق تعقیب دعوی عمومی متعلق به جامعه است. جامعه این حق را به‌وسیله نمایندگان خود به‌موقع اجرا می‌گذارد. دادسرا نماینده جامعه است و به‌نام جامعه، بزه‌کار (متهم) را تحت تعقیب قرار می‌دهد. در تعقیب کیفری بزه‌کار (متهم) چون جامعه صاحب و مالک حق است اختیار تام دارد. تعقیب بزه‌کار (متهم) برای جامعه حق، ولی برای دادسرا وظیفه یا تکلیف است. دادسرا نمی‌تواند از اجرای این تکلیف قانونی خود امتناع ورزد و یا در عمل به آن تسامح و تعلل کند. (آخوندی، ۱۳۸۶: ۱۴۰) مطابق بند «الف» ماده ۳ اصلاحی قانون تشکیل دادسرا عهده‌دار تعقیب متهم به جرم و حفظ حقوق عمومی با ریاست دادستان است. در ماده ۱۱ لایحه نیز بیان شده، تعقیب متهم به عهده دادسرا است. در ماده ۷۴ لایحه نیز بیان شده که دادستان نمی‌تواند تحقیق‌های مقدماتی را متوقف کند. البته در مواد ۸۰ و ۸۱ لایحه، بایگانی کردن پرونده تعقیبی و تعلیق تعقیب حسب مورد و با توجه به شرایط مذکور در آن مواد پیش‌بینی شده است که تا حدودی قانونی بوده و تعقیب را تعدیل می‌کند و آن را به سمت موقعیت داشتن تعقیب سوق می‌دهد.

در ترکیه قانون آئین دادرسی کیفری دادستان‌ها در خط اول حقوق جا گرفته‌اند. دستگیری، بازداشت، بررسی اوراق، جمع

<sup>۱</sup> - Bulut v. Austria

محل وقوع جرم حاضر شده و تعقیب جرم را باید پیگیری کند. به کار تحقیق و تفحص

صادره از ناحیه بازپرس را دارد. این مخالفت می‌تواند از وجود دلایل به نفع متهم باشد که دادستان آن را اعلان می‌دارد. در بند «ج» الحاق شده به ماده ۲۶ قانون تشکیل بیان شده که در امور کیفری دادستان از جمله افرادی است که حق درخواست تجدیدنظر از حکم براءت یا محکومیت غیرقانونی متهم را دارد. بند «پ» ماده ۴۳۳ لایحه بیان داشته که دادستان به منظور براءت متهم، عدم انطباق رأی با قانون و یا عدم تناسب مجازات، حق درخواست تجدیدنظر را دارد و محکومیت غیرقانونی «متهم» را بیان نداشته که به نظر می‌رسد در مفهوم آن مستتر است. محکومیت غیرقانونی متهم که مورد اعتراض دادستان قرار می‌گیرد ناشی از عدم وجود دلایل علیه متهم که مورد اعتراض دادستان قرار می‌گیرد ناشی از عدم وجود دلایل علیه متهم یا وجود دلایل له متهم است. ماده ۲۸۲ لایحه نیز بیان داشته، دادستان بعد از ارسال پرونده به دادگاه «... می‌تواند دلایل له یا علیه متهم را که کشف یا حادث می‌شود به دادگاه اعلام دارد». بنابراین می‌توان گفت نتیجه منطقی بی‌طرفی دادستان در خصوص دلایل، لزوم او به دخالت دادن دلایل به نفع متهم در جریان رسیدگی کیفری است، هرچند این لزوم به‌طور صریح در قوانین ایران نیامده است. (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷: ۲۹۵)

از آنجایی که مطابق بند «و» ماده ۳ اصلاحی قانون تشکیل دادستان در غیر از جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری استان می‌تواند تحقیقات مقدماتی را انجام دهد. از این رو برای رعایت بی‌طرفی به‌نحوی باید به دلایل به نفع متهم نیز توجه داشته باشد. بنابراین «داسرا باید در ضمن تعقیب کیفری بزه‌کار، محافظ و حامی منافع و حقوق و آزادی‌های او باشد. هر نکته و مسئله‌ای که ممکن است به نفع متهم باشد باید مورد توجه و عنایت داسرا قرار گیرد». (آخوندی، ۱۳۸۸: ۵۴؛ مؤذن‌زادگان و ضرغام‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۶۲)

کردن دلایل از محل وقوع حادثه، امر کتبی دادستان در بازجویی و یا امور تحقیق و تفحص اولیه و بررسی، شخصاً در دادستان کیفری آغاز بازجویی<sup>۱</sup> نیز گفته می‌شود. دادستان کیفری در ضمن آغاز تحقیقات برای به‌دست آوردن معلومات می‌تواند با امر به مأموران، با سرعت مدارک لازم را به دست بیاورد. در ضمن آغاز تحقیق و تفحص یا بازجویی با امر دادستانی حکم دلیل به خود می‌گیرد. امور بازجویی قاضی صلح و در این میان با داشتن اختیارات جمع‌آوری دلیل، وظایفی که خارج از این حیطه (مثل بازکردن پرونده‌ای که جنبه عمومی دارد) از وظایف دادستانی است (ماده ۱۶۰ آئین دادرسی کیفری)<sup>۲</sup>.

#### ۶- مشکل بی‌طرف بودن و یا نبودن دادستان و اعلام دلیل به نفع متهم

در حقوق ایران صراحتی مبنی بر وظیفه دادستان در اعلان دلایل به نفع متهم به دادگاه رسیدگی‌کننده به کیفرخواست ملاحظه نمی‌شود. شاید بتوان از برخی مقررات فعلی استنباط کرد که دادستان باید از اعلان دلایل به نفع متهم خودداری نکند. از جمله این مقررات بند ۴ ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات است که خروج از بی‌طرفی در انجام وظایف قضائی را تخلف انتظامی محسوب کرده است. لایحه در ماده ۳ نیز کلیه مقام‌های قضائی را ملزم به رعایت بی‌طرفی کرده است، از جمله این مقامات دادستان است. یکی از نتایج بی‌طرفی دادستان در روند دادرسی این است که وی دلایل را به نفع متهم جلوگیری نکند و در صورتی که قرائن یا دلایلی به نفع متهم وجود داشته باشد همچنان که در راستای حفظ نظم عمومی و احقاق حقوق بزه‌دیده، دلایل را به ضرر متهم اعلان می‌دارد، مبادرت به اعلان دلایل به نفع متهم به دادگاه کند. همچنین بند «ل» ماده ۳ اصلاحی قانون تشکیل و نیز ماده ۲۶۸ لایحه، دادستان اختیار مخالفت با قرار مجرمیت (قرار جلب متهم به دادرسی)

<sup>1</sup>- Araştırma Ve Soruşturma Yapmak.

<sup>2</sup>- Hazırlık Soruşturması Yapması.

<sup>3</sup>- CMUK 160

در ترکیه بی‌طرفی به معنی عدم جانبداری و گذشتن از خود می‌باشد. بی‌طرفی دادستان، باید به صورت رفتاری بی‌طرفانه در خصوص متهم و شخص متضرر، به هر دلیلی عدم حمایت از یکی از این دو گردآوری دلایل و مطالعه آن و نیز عملیاتی از این قبیل به خاطر یافتن واقعیت مادی درک شود. کاری که دادستان ملزم به انجام آن است در آن بی‌طرف ماندن آسان نیست. مرتکب به جرم، تعادل اجتماعی را بر هم می‌زند و حال آنکه با کیفردهی مجرم، این تعادل دوباره فراهم می‌شود. در این شرایط مقامی که موظف به فراهم کردن تعادل را باور دارد، خود دادستان است. (جنتل، ۲۰۱۵: ۱۹۵)

لیکن دادستان براساس ماده ۱۶۰ آئین دادرسی کیفری نه تنها مواردی که علیه متهم است بلکه مواردی که به نفع متهم است را نیز موظف است بررسی کند. همچنین براساس بند سوم ماده ۲۶۰ آئین دادرسی کیفری، دادستان اختیار مراجعه به راه‌های قانونی به نفع متهم را نیز دارد. تمامی این موارد وقتی در کنار هم آورده می‌شوند معلوم می‌شود که دادستان بی‌طرف است و تنها به منظور رسیدن به واقعیت مادی فعالیت می‌کند. لیکن نباید فراموش کرد که دادستان کسی است که کامل‌کننده تمامی پیگیری‌ها است و نیز کسی است که با اتکا بر دلایل بدست آمده خود اقامه دعوا می‌کند. از این رو دادستان حتی در شرایطی که اقامه دعوا از وی مطالبه می‌شود به خاطر جنبه عمومی مقام ادعا را صاحب می‌شود. پس از شروع محاکمه، تقاضای تبرئه متهم و مراجعه به راه‌های قانونی به نفع متهم از طرف دادستان، هیچ‌گونه تأثیری بر تصاحب مقام ادعا نخواهد داشت. (تورحان، ۲۰۰۶: ۸۴) به این دلیل دادستان در طی محاکمه، طرفی است که حداقل به عنوان مقام ادعا، وظیفه دعوا را برعهده دارد. (شاهین‌جمهور، ۲۰۱۲: ۱۱۸)

## ۷- بی‌طرفی دادستان و دلایل علیه متهم<sup>۱</sup> و اصول بوداپست

در ایران همان‌طوری که ممکن است دلیل (یا دلایلی) به نفع متهم وجود داشته باشد، امکان وجود دلیل (یا دلایلی) علیه متهم نیز است. دادستان از یک طرف باید از نظم عمومی دفاع کند و از طرف دیگر وظیفه در بی‌طرفی در خصوص دلایل علیه متهم دارد. بی‌طرفی در دلایل علیه متهم دو جزء دارد: یکی اینکه اگر دلیلی علیه متهم وجود داشته باشد که آن دلیل غیرصحیح (Keane, 2006:55) باشد باید از آن به نفع متهم جلوگیری کند، ثانیاً به طریق اولی خود نباید از دلایل فاسد علیه متهم استفاده کند. دادستان در ایران وظیفه دارد که صحت دلایل علیه متهم را تضمین کند. این وظیفه دادستان اگرچه در قوانین ایران به طور صریح ذکر نشده است. از یک طرف از وظیفه بی‌طرفی دادستان نسبت به دلایل راجع به متهم و از طرف دیگر از وظیفه حفاظت از قوانین توسط دادستانی ناشی می‌شود. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در مورد «گزارش‌های خلاف واقع در دادسرا» در پاسخ به این پرسش که «... چنانچه در این قبیل موارد [تصرف عدوانی] دلیل اقامه شود که گزارش‌های ژاندارمری برخلاف واقع بوده، دادسرا چه تکلیفی دارد؟» در نظریه مشورتی به تاریخ ۴۳/۹/۱۷ بیان داشته است: «در پرونده‌های رفع تصرف عدوانی یا رفع مزاحمت که در دادسرا مطرح می‌شود، باید پیش از اظهارنظر، در خصوص صحت شکایت رسیدگی شود...». (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷: ۳۷)

تعقیب متهم به جرم، از وظایف اساسی دادستان‌ها در ایران است. از این رهگذر دادستان از دلایلی علیه متهم به جرم استفاده می‌کند. دلایلی که دادستان علیه متهم استفاده می‌کند، باید صحیح باشند. بنابراین دادستان باید از به کار بردن ادله ناسالم خودداری کند و عدالت را در استدلالش علیه متهم رعایت کند تا متهم به ناحق محکوم نشود. در قوانین موضوعه ایران به اینکه دادستان وظیفه در حفظ صحت دلایل دارد به طور خاص اشاره نشده است. علت این موضوع شاید به دلیل مفروض انگاشتن این وظیفه باشد. پرواضح است که اولاً دادستان باید در تعقیب متهم از دلیل استفاده کند. در این مورد دادگاه عالی انتظامی

<sup>1</sup> Carner



- وظایف خود را به‌صورت عادلانه، بی‌طرفانه، منسجم و با سرعت انجام می‌دهند.

- به حقوق و افتخار انسانی احترام می‌گذارند، از این ارزش‌ها محافظت کرده و مورد حمایت قرار می‌دهند.

- رفتار خود را به نام جامعه و به نفع عموم مورد توجه قرار می‌دهند.

- سعی دارند تا تعادلی عادلانه بین منافع و حقوق شخصی با منافع عموم برقرار کنند.

در راستای حکم تصویب شده از طرف هیأت عالی دادستان و

قضات در مورد اصول بوداپست هیأت کل کیفر هیأت عالی تمیز نیز در تاریخ ۲۰/۱۱/۲۰۰۷ و به احکام شماره‌های ۸۳-

۲۰۰۷/۵، E و ۲۴۴/۲۰۰۷، K نیاز به تبعیت از این اصول را بیان کرده است. (یلدریم، ۲۰۱۳: ۴۷-۱۲۲) در مورد بی‌طرفی

دادستان که در بین اصول مذکور آورده شده است بی‌طرفی وی از نظر مقام او نیست بلکه تأکید به بی‌طرفی شخص وی دارد

که موقع انجام دادن وظیفه وی است. برخلاف این، در حقوق ترکیه مقرراتی در ارتباط با علل به شک‌اندازی بی‌طرفی و یا

ممنوعیت دادستان وجود ندارد. به این علت در این شرایط عقیده دکتربین بر این است که امکان رد و یا ممنوعیت از انجام

وظیفه دادستان ممکن نمی‌باشد. (اوزبک و دیگران، ۲۰۱۵: ۲۱۸)

از نظر قضات اجرای مقررات پیش‌بینی شده در ماده ۲۲ آئین دادرسی کیفری به‌طور مقایسه‌ای در مورد دادستان‌ها مورد

بحث نیست. چراکه قانون، حل کردن ناسازگاری است که پیش قاضی آورده می‌شود. لیکن به‌طور استثنائی در شرایطی که

ممنوعیت، بی‌طرفی را مورد شک و تردید قرار می‌دهد دست کشیدن از انجام وظیفه و یا دور ساختن وی از انجام وظیفه

مورد بحث نیست. از این‌رو مقررات مربوط به شک و تردید افتادن به‌سبب بی‌طرفی قاضی وضعیت استثنائی دارد از آنجایی

که توسعه مقایسه‌ای و مقررات استثنائی نیز مورد بحث نخواهد بود. در اجرای مقررات ماده ۲۲ آئین دادرسی کیفری از نظر

دادستان‌ها نیز با حقوق مغایرت خواهد داشت. (شاهین‌جمهور،

قضات در دادنامه شماره ۲۱۹-۲۱۷ مورخ ۱۳۶۹/۹/۶ با عنوان «عدم جمع‌آوری دلایل» در محکومیت دادستان حکم می‌دهد:

«چون تحقیقات کافی در مورد اتهام متهمان جمع‌آوری نشده، مورد از موارد بیان شفاهی در دادگاه نبوده و دادستان در این مورد

تخلف کرده است...». (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷: ۲۲۳) ثانیاً دلیل اقامه شده توسط دادستان علیه متهم باشد صحیح و

مشروع است. دادگاه عالی انتظامی قضات در محکومیت دادستان طبق حکم شماره ۱۱۸۱ مورخ ۱۳ بهمن ۱۳۱۱ رأی داده است

مبنی بر اینکه: «... بدیهی است که دادستان در انجام این وظیفه [رسیدگی به دعوی تصرف عدوانی] به مثابه محکمه است و هر

حکمی که از حاکمی صادر می‌شود، باید مسبوق به رسیدگی و موجه و مدلل باشد و چنانچه حکم این نکته که از بدیهیات اولیه

است رعایت نشود، تخلف است». (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷: ۲۶۹) ماهیت رأی دادگاه عالی انتظامی قضات نشان

می‌دهد که دلیلی که علیه متهم به‌کار گرفته می‌شود، باید صحیح و خالی از فساد باشد.

در ترکیه دادستان یکی از طرفین در محاکمه است به این دلیل فراهم کردن بی‌طرفی وی نمی‌تواند مطرح شود. (شاهین‌جمهور،

۲۰۱۲: ۱۱۸) لیکن به‌منظور انجام شایسته وظیفه خود در طرف ادعا، تنظیم شرایط ممنوعیت و یا احتیاط قابل بحث نخواهد

شد. در ارتباط با این موضوع در سال ۲۰۰۵ پس از جلسه ششم کنفرانس دادستان‌های اروپا که از طرف شورای اروپا با

همکاری دادستان مجارستان ترتیب داده شده بود در همان سال مورد قبول واقع شده و به‌عنوان «اصول بوداپست» عرضه

شد. پس از اصول اخلاقی حکم بنگولار<sup>۱</sup> از طرف هیأت عالی قضات و دادستان‌ها که از طرف دادستان‌ها با حکم شماره ۴۲۴

که در ۲۰۰۶/۱۰/۱۰ به تصویب رسید. اصول مربوط به اصول اروپایی (اولین وظایف اساسی) بدین شرح است:

- دادستان در هر زمان و تحت هر شرایطی:

- ضمن اینکه وظیفه اقامه دعوا دارند می‌توانند وظیفه خود را متناسب با حقوق ملی و بین‌المللی به اجرا درآورند.

<sup>1</sup>- Bangular

۲۰۱۲: ۱۱۸) همچنین اگر مواردی که موجب شک و تردید وجود داشته باشد که مرتبط با عدم انجام وظیفه دادستان به طور شایسته باشد با مراجعه به دادستان کل می‌توان موجب کناره‌گیری دادستان و قرار دادن یکی دیگر به جای وی جهت انجام وظیفه را فراهم کرد. همچنین اگر دادستان کل نیز از این موضوع باخبر باشد خود شخصاً وارد عمل خواهد شد.

#### ۸- اصل بی‌طرفی و جایگاه دادستان

در ایران بی‌طرفی را در لغت به معنای عدم تعقیب، عدم جانبداری و عدم دخالت در دسته‌بندی‌های سیاسی و بی‌طرفی را به کسی می‌گویند که تعصب نداشته و جانبداری نکند. (معین، ۱۳۸۸: ۶۲۹) اصول دادرسی لازمه دادرسی عادلانه به عنوان یکی از حقوق بنیادین اشخاص هستند. (غمامی و محسنی، ۱۳۹۰: ۱۱) و این اصول بر پایه عدالت شکل گرفته‌اند. (قربانی، ۱۳۹۰: ۱۴۸) با این حال می‌توان اخلاق، عقل، مذهب، تاریخ و تمدن، خواست‌های اجتماعی و تحولات سیاسی و اقتصادی را مبنای اصول دادرسی دانست. (صادقی، ۱۳۸۴: ۸۰؛ محمدی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۷) «بی‌طرفی دادگاه با دادرسی عادلانه رابطه‌ای مستقیم دارد. این رابطه آن‌چنان وثیق است که گاه عادلانه بودن دادرسی به بی‌طرفانه بودن آن تعریف و تفسیر می‌شود.» (فضائلی، ۱۳۸۷: ۲۴۳) بی‌طرفی وصف رفتار و گفتار و ذهن و فکر آن دسته از اجزای سیستم دادرسی است که یا تصمیم‌گیر بوده یا اقدام و اظهار می‌کنند که می‌تواند مؤثر در مفاد حکم باشد. بدین ترتیب بی‌طرف بودن، فقط تکلیف قاضی و وصف شخص قاضی نیست و بی‌طرفی او برای تحقق دادرسی بی‌طرفانه شرط لازم هست ولی کافی نیست. عادلانه بودن کیفر یا حکم صادره، از جمله در گرو عادلانه یا منصفانه بودن رسیدگی است. از این رو از دادرسی ناعادلانه نمی‌توان انتظار حکم و مجازات عادلانه داشت. «مجازات در صورتی شایسته وصف عدالت است که عناصر تشکیل‌دهنده آن یعنی قانون، رأی دادگاه و اجرای حکم نیز براساس عدالت باشد.» (ظفری، ۱۳۷۷: ۴۲)

رعایت اصل بی‌طرفی و پرهیز از هرگونه رفتار جانبدارانه، از لوازم دادرسی عادلانه است. قاضی باید در کمال بی‌غرضی و به دور از هرگونه پیش‌داوری و جانبداری، به قضاوت پرداخته و تمایل‌ها و گرایش‌های مذهبی، قومی، نژادی، سیاسی و غیره را در امر قضاوت دخالت ندهد. اصل تفکیک مقام تعقیب و تحقیق از مقام رسیدگی‌کننده از مهم‌ترین آثار و نتایج اصل بی‌طرفی است و مقام تحقیق باید با بی‌طرفی کامل اقدام به انجام تحقیقات همه‌سونگر کند و دلایل را هم له و هم علیه متهم جمع‌آوری کند. در رعایت اصل بی‌طرفی باید در خصوص منافع شخصی و دولتی و فشار عمومی و رسانه‌های گروهی بی‌اعتنا باشد و منافع عمومی باید به عنوان هدف اولیه مورد توجه قرار گیرد. شرایط و اوضاع و احوال مرتبط با نفع یا ضرر مظنون و عینی‌گرایی در نظر گرفته شود و ضمن بررسی حقیقت و عدالت در مورد جامعه، بزه‌دیده و متهم از اینکه همه تحقیقات منطقی و ضروری انجام یافته اطمینان خاطر فراهم شود. حق محاکمه شدن توسط یک دادگاه مستقل و بی‌طرف از اساسی‌ترین حقوق انسان‌ها و یک اصل اساسی حکومت قانون محسوب می‌شود. (زاپالا، ۲۰۰۳: ۱۰۰)

استقلال قضائی لازمه بی‌طرفی دادرسی است و با مستقل شناختن دادرسی، بی‌طرفی او تأمین می‌شود. استقلال دادرسی تابعی از استقلال قوه قضائیه است که در قانون اساسی ایران نیز به رسمیت شناخته شده است. اصل ۱۵۶ قانون اساسی مقرر می‌دارد: ۱- قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل، که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع. تحقق بند دوم مستلزم وجود بی‌طرفی در نظام قضائی است و نقض اصل بی‌طرفی در نظام دادرسی برخلاف وظیفه مزبور است چراکه نقض بی‌طرفی مانع تحقق عدالت و آزادی‌های مشروع است.

در ترکیه اتهام‌های عمومی توسط دادستان‌ها اقامه می‌شود؛ عنوان کامل آن‌ها دادستان جمهوری است و دارای تشکیلات دادسرا هستند؛ دادستان‌ها نیز همچون قضات در رابطه با حوزه

دادستان نیز اینجا احساس می‌شود که در قانون ایران نیامده است و ضرورت‌سنجی پیش‌بینی اصل بی‌طرفی دادستان در نظام دادرسی ایران با تأکید بر نظام دادرسی ترکیه با توجه به مطالبی که ارائه گشت در قانون ایران احساس نیاز می‌شود و بهتر است در قانون ما نیز پیش‌بینی شود.

### نتیجه‌گیری

در راستای رشد حمایت از حقوق بشر در حقوق مدرن، حقوق متهمان نیز بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. نظام‌های دادگستری در ایران و خارج از ایران مسؤوَل حفظ حقوق شهروندی به‌ویژه حقوق متهم هستند. دادستان با توجه به قدرتی که به‌لحاظ قانونی در تعقیب متهمان دارد، باید نقش مهم‌تری در این زمینه ایفا کند. از آنجا که دادستان نماینده جامعه در تعقیب متهمان محسوب می‌شود و باید حامی حقوق همگی افراد مرتبط در فرایند دادرسی کیفری و حتی برای تضمین حقوق متهم و رعایت اصل بی‌طرفی باشد، باید کشف حقیقت را به‌منظور اجرای عدالت وجهی همت خود قرار دهد.

دادستان نباید به مثابه شاکی خصوصی فقط در پی پیروزی علیه متهم به هر وسیله ممکن باشد. وی در درجه اول باید قوانین را اجرا کند که بسیاری از این قوانین چه‌بسا به نفع متهم باشد و از این‌رو مطابق وظایف اخلاقی و قانونی خود در صورتی که دلیلی به نفع متهم کشف شود، در کمال بی‌طرفی آن را موردنظر قرار داده و آن را به دادگاه رسیدگی‌کننده اعلان دارد تا بدین‌وسیله وظیفه خود را به‌نحو احسن انجام داده باشد. برای این منظور پیشنهادهای زیر در حقوق ایران ارائه می‌شود:

۱- تصریح در قانون به اینکه دادستان مکلف باشد دلایل به نفع متهم را در صورت وجود در اختیار دادگاه قرار داده یا حسب مورد خود آن را در فرایند تعقیب دخالت دهد.

۲- تصریح در قانون به اینکه دادستان در صورت اطلاع از دلایل فاسد علیه متهم، مانع از تأثیرگذاری این دلایل شود.

پیش‌بینی اصل بی‌طرفی دادستان در نظام دادرسی ایران چون که شأنی انحصاری دارد و فقط در یک قسمت صالح است و باید بی‌طرفانه عمل کند، نه اینکه در پی محکومیت متهم باشد

قضائی خود به چند دسته تقسیم می‌شوند. شواری عالی قضاوت و دادستان‌های کل به امور اداری مربوط به قضاات دادگاه‌های اداری و قضائی، دادستان‌های کل که عضو دیوان‌عالی استیناف و یا شورای کشور نباشد می‌پردازند، دادگاه عالی استیناف ترکیه دادستان کل ارشد دارد که به ایفای وظایف محوله قانونی مبادرت می‌کند. دادگاه‌های نظامی و دادگاه عالی استیناف نظامی دارای دادستان‌های جزء و دادستان ارشد هستند. (جایگاه دادستان در کشورهای جهان و عرف بین‌الملل ۱۳۹۶/۵/۸) اصل استقلال محاکم (دادگاه‌ها) براساس اصل ۱۳۸ قانون اساسی ترکیه قضاات در قضاوت خود مستقل هستند و قضاوت خود را براساس قانون اساسی و سایر قوانین جاری ترکیه و همچنین قناعت وجدانی خود و بدون تأثیر از سایر مراجع و مقام‌های دولتی و غیردولتی باید انجام دهند و حکم صادره از مراجع قضائی برای کلیه مراجع رسمی و غیررسمی ترکیه نافذ هستند و هیچ‌کس نمی‌تواند از انجام آن جلوگیری کند. بنابراین براساس این اصل با عنوان «استقلال دادگستری‌ها» تنها استقلال در وظایف قضاات مشخص شده است و به استناد اصل بی‌طرفی هرگونه حکمی به قضاات و دادستان‌ها در نظر گرفته شده است.

براساس ماده ۶۸ قانون قضاات و دادستان‌ها به شماره ۲۸۰۲ که کیفر انضباطی به قاضی و دادستان می‌دهد، براساس تثبیت اعمال و فعل‌هایی که مناسب وظایف و صفات آن‌ها نیست، کیفر جانشینی داده شده به‌خاطر درجه چگونگی و سنگینی وضعیت، در شرایط ایجاد عدم انجام وظیفه بی‌طرفی و صحیح با نشان دادن رفتار و کردار خود ممکن است. براساس قانون مؤسسه عالی قضاات و دادستان‌ها به شماره ۶۰۸۷ قضاات و دادستان‌هایی که با هم اختلاف دارند هرگونه حکمی که در سایه اصول بی‌طرفی و استقلال، آن‌ها را از هم جدا کند وجود ندارد.

بنابراین اصول دادرسی سازنده قواعد دادرسی به‌عنوان جزئی از آئین دادرسی هستند و اصل بی‌طرفی نیز از این امر مستثنا نبوده و مطابق بند ۳ ماده ۱۷ قانون نظارت بر قضاات، کلیه مقامات قضائی ملزم به رعایت بی‌طرفی هستند. بی‌طرفی

و هدف او باید پی‌جویی عدالت بر پایه قانون باشد تا سایه شاهین عدالت سایه‌گستر کلیه احکام باشد.

### ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

### تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارد.

### سهم نویسندگان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

### تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.



## منابع و مأخذ

### الف. منابع فارسی

- معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی. جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات زرین.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و ضرغام‌نژاد، سیروس (۱۳۹۱). «مطالعه تطبیقی دادستان و بی‌طرفی او نسبت به دلایل له و علیه متهم در حقوق ایران و آمریکا». فصلنامه پژوهش حقوق، شماره سی و هفت.
- ناجی، مرتضی (۱۳۸۵). «بی‌طرفی در دادرسی کیفری». مجله حقوقی دادگستری، شماره پنجاه و شش و پنجاه و هفت.
- یوسفی، ایمان و رئیسی، محمدصادق (۱۳۹۲). «بررسی انتقادات وارد بر نهاد بازپرسی». مجله حقوقی دادگستری، شماره هشتاد و دو.
- یوسفی، ایمان (۱۳۹۲). ملل‌های تحقیقات مقدماتی در آئین دادرسی کیفری. چاپ اول، تهران: نشر جاودانه.
- ب. منابع ترکی**
- CENTEL, ZAFER (2015), Ceza Muhakemesi Hukusu, Beta Yayınları, İstanbul.
- Christian SHROEDER, Friedrich (1999), Ceza Muhakemesi Hukukunda Fair Trial, İstanbul Barosu Yayını, İstanbul.
- FEYZİOĞLU, Metin, Suçsuzluk Karinesi (2005), Kavram Hakkında Genel Bilgiler ve Avrupa İnsan Hakları Sözleşmesi, AÜHFD, C. 48, S. 1-4, ÜZÜLMEZ, İlham, Türk Hukukunda Suçsuzluk Karinesine Sonuçları, Türkiye Barolar Birliği Dergisi.
- GÖREN, Zafer (1995), Temel Hak Genel Teorisi, Dokuz Eylül Üniversitesi Yayınları, Ankara.
- Kunter, Nuru LLah (1989), Muhakeme Da Llolarak Ce Za Muhakemesi Hukuku, Doku Zuncu Basım, Beta yayınevi, İstanbul.
- ÖZBEK, Veli Özer-KANBUR, Mehmet Nihat-Koray Doğan-Pınar Bacaksız-İlker TEPE (2015), Ceza Muhakemesi Hukuku, Seçkin Yayınları, Ankara.
- ÖZTÜRK, Bahri-ERDEM, Mustafa Reza-Özbek- Veli Özer (2004), uygulam aliceza muhake mesihu kuku. Ankaraç.
- ŞahinCumhur, Neslihan GÖKTÜRK (2012), Cezamuhakemesi Hukuku, Seçkin Yayınları, Ankara.
- آخوندی، محمود (۱۳۸۶). آئین دادرسی کیفری. جلد ششم، چاپ سیزدهم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آخوندی، محمود (۱۳۸۸). آئین دادرسی کیفری. جلد ششم، چاپ دوم، تهران: سمت.
- آماده، غلامحسین (۱۳۸۸). نقش رئیس قوه قضائیه در فرایند کیفری ایران. چاپ اول، تهران: گستر.
- صادقی، محسن (۱۳۸۴). اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه. چاپ اول، تهران: میزان.
- ظفری، محمدرضا (۱۳۷۷). مبانی عدالت جزائی در حقوق اسلامی. چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- غمامی، مجید و محسنی، حسن (۱۳۹۰). اصول آئین دادرسی مدنی فراملی. چاپ اول، تهران: میزان.
- فتحی، محمدجواد و دادیار، هادی (۱۳۹۲). «جایگاه دادستان در سیاست جنائی نوین و الزامات دادرسی عادلانه». نشریه علمی - پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، شماره هفتم.
- فضائلی، مصطفی (۱۳۸۷). دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین المللی. چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
- قربانی، علی (۱۳۹۰). دادرسی منصفانه در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر. چاپ اول، تهران: حقوق امروز.
- کاشانی، محمود (۱۳۸۳). استانداردهای جهانی دادگستری. چاپ اول، تهران: میزان.
- محمدی، اصغر حاجی؛ افتخارچهرمی، گودرز؛ جنیدی، لعیا و شهلا، مهدی (۱۳۹۷). «اصل بی‌طرفی دادرسی و قواعد ناشی از آن». فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره سی و پنج.
- معاونت آموزش قوه قضائیه (۱۳۸۷). رویه قضائی ایران در ارتباط با وظایف شغل دادستان. چاپ اول، تهران: جنگل.
- معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی. جلد اول، تهران: انتشارات ادنا.



- Carner, Brayan (Editorinchief) (2004). *Blacks Law dictionary*. UK: Thomson Publishing.
- Clyton, Richard (2000). *The Law of Human Rights*. UK: Oxford.
- Keane, Adrian (2006). *The Modern Law of Evidence*. 6<sup>th</sup> ed. Oxford: Oxford University Press,
- Zappalas (2003). *Human Rights in Intrrnational Criminal Proceedings*. Oxford: Oxford Press.

- Sulhi Dönmezer (1998), Suçsuzluk Karinesi Üzerine Düşünceler, in: Prof. Dr. Nurullah Kuntere, Armayan, İstanbul Üniversitesi Hukuk Fakültesi Eğitim, Öğretimve Yardımlaşma Vakfı.
- TURHAN, Faruk (2006), Ceza Muhakemesi Hukuku, Aslı Yayınevi, Ankara.
- ÜZÜLMEZ, İlham (2005), Türk Hukukunda Suçsuzluk Karinesive Sonuçları, Türkiye Barolar Birliği Dergisi.
- YıldırımAkif (2013), Savcılık Kurumuve Cumhuriyet Başsavcılarının Cumhuriyet Savcıları Üzerindeki Denetimve Gözetim Yetkisi, Adalet Dergisi.

ج. منابع انگلیسی





## The Essence of Impartiality of Prosecutor in Iranian Judicial System; with Emphasis on Turkish Judicial System

Zahra Anzari Dourbash<sup>1</sup>, Fatemeh Ahadi<sup>2\*</sup>

1. MA, Department of Private Law, Maraghe Branch, Islamic Azad University, Maraghe, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Maraghe Branch, Islamic Azad University, Maraghe, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 1-15

Corresponding Author's Info

Email: Fatemeh.ahadi1394@gmail.com

Article History:

Received: 29 Sep 2020

Accepted: 07 Dec 2020

Published online: 21 Dec 2020

Keywords:

Prosecutor,

Defendant,

Reasons in favor of the Defendant,

Reasons against the Accused,

Principles of Budapest.

### ABSTRACT

This role has been highlighted in such a way that the issue of observing the defendant's defense rights, including declaring reasons in his favor and preventing the presentation of corrupt reasons against him by the prosecutor, has been considered insignificant. In Turkish law, the Budapest principles of the past have been accepted, and this issue was adopted in 2005 after the sixth sessions of the conference of European prosecutors, organized by the council of Europe in cooperation with the Hungarian prosecutor, and these points were adopted in those principles. The prosecutor performs his or her duties fairly, impartially, coherently and expeditiously, and also seeks to strike a balance between personal interests and rights and the public interests. In Iranian law, he should not refuse to present arguments in favor of the accused and prevent corrupt arguments against him. This duty of the prosecutor, although not explicitly mentioned in Iranian law, arises on the hand from the duty of the prosecutor to be neutral with respect to the reasons for the accused, and on the other hand, from the duty of the prosecutor to protect the law. As article 49 of the law on the principles of the judiciary, adapted in 1307, stated about the prosecutor (the public prosecutor). Public prosecutors are officials who work for public rights and oversee the implementation of laws in accordance with legal regulations, the research method is library.

openaccess



Cite this article as:

Anzari Dourbash, Z & Ahadi, F (2020). "The Essence of Impartiality of Prosecutor in Iranian Judicial System; with Emphasis on Turkish Judicial System". *Legal Thoughts Journal*, 1(3): 1-15.